

در موردی، مصالح مهمتر را بر مصالح کم اهمیت تر، ترجیح داده خود را از مشکل نجات دهند.

مثلا تشریح بدن میت که در عصر ما برای پشرومت فن پزشکی ضروری شناخته شده یکی از مصداق روشن باب «تراحم» است.

چنانکه می‌دانیم: اسلام، احترام بدن مسلمان و تسریع در مراسم تجمویمیت و الاام شمرده است. از طرفی قسمتی از تحقیقات و تعلیمات پزشکی در عصر ما متوقف بر تشریح بدن است.

در این مورد که یکی از نیازمندیهای عصر ما است، دو مصلحت در جهت مخالفت یکدیگر قرار گرفته و... ظاهر مشکلی بوجود آمده است.

طبق اصل بالا (در باب تراحم، مصلحت مهمتر را باید ترجیح داد) هیچگونه برائستی در این مورد وجود نخواهد داشت زیرا بدیهی است که مصلحت تحقیقات و تعلیمات پزشکی بر مصلحت تسریع تجمویمیت و احترام بدن اتر ترجیح دارد.

علیهذا در صورت انحصار به میت مسلمان و کالی نبودن غیر مسلمان، و با مقدم داشتن میت ناشناخته بر میت شناخته شده و رعایت بعضی خصوصیات دیگر که در بعضی از رساله‌های علمیه بر زبان آمده است به حکم قاعده «اهم و مهم» از تشریح بدن میت مسلمان، رفع منع می‌شود (۱)

قواعد حاکمه

یکی دیگر از چیزهایی که به این آئین حاکمیت

جاودانگی و اطلاق بانایمندیهای زمان را پشتیبان نیست که: یک سلسله قواعد و قوانین در این آئین وضع شده که کار آنها کنترل و تبدیل قوانین دیگر است.

سیار روشن است که مقررات عمومی گاهی در اثر برخورد با یکدیگر و با پیش آمدن ضرورتها آدمی را درین بست قرار می‌دهد و نمی‌داند که چه بکند، از اینرو اسلام برای اینگونه موارد قواعدی دارد که فقها، و کارشناسان اسلامی نام قواعد حاکمه روی آنها نهاده اند.

این قواعد، بر مراسر احکام و مقررات اسلامی مظاهر داشته و بر آنها حاکمند و درین بینها وظیفه افراد را روشن می‌نمایند و در حقیقت است به احکام دیگر حق و توتو دارند.

قاعده «الأضرار» ده اضطرار» و «خروج» از بندسته قواعدند.

ما برای روشن شدن مطلب، برای هر کدام از قواعد سه گانه بالا مثال می‌آوریم:

۱- در دست است که مردان به خاطر نیازهای که دارند بعضی فرآن کریم و احرامت علیکم البینوا (الح... ۲) خوددش حرام است، ولی چنانچه آدمی در موقعیتی قرار گیرد که بجز خوردن آن دامن نداشته باشد، در اینصورت اسلام، طبق اصل «الأضرار» تسبیح الأضطرار» و حدیث معروف «ارفع ما اشترطوا إلیه» (۳) حرمت آرا برداشته و انسان مضطرا

۱- محمد خانم پیامبران ج ۱ ص ۵۵۷ مقاله حتم نبوت نوشته جناب آقای مطهری.

۲- مانند آیه ۳

۳- سفینه البحار ج ۱ ص ۵۴۰

از این بن بست نجات می‌دهد.

۲- اجتناب از اشیاء ناپاک تکلیفی است که همه مسلمانها موظفند که بدان پای بند باشند، حال اگر کسی در شرایطی قرار بگیرد که اجتناب از آن، برایش مشقت شدید دارد، در آن صورت، اسلام، طبق آیه «وَمَا جَعَلْ عَلَیْكُمْ فِی الدِّینِ مِنْ حَرَجٍ» (۱) وظیفه اجتناب از آن را از او برمی‌دارد.

مرحوم حاج شیخ محمد محقق که از طرف مرحوم آیه الله العظمی بروجردی ۹ سال در آلمان مشغول ارشاد و هدایت مردم بوده در مورد ظهارت و نجاست از مرحوم آقا سؤالی به این شرح نمودند:

آیا شما اهل کتاب را ناپاک می‌دانید؟ معطله فرمود:

غیرد مرحوم محقق عرض کرد: پس در اینصورت تکلیف ما مشکل خواهد بود، چون اکثر مردم آلمان مسیحی هستند. آقا فرمودند: در اینصورت شما روی اصل حاکمیت عمل خواهید کرد، این مطلب، وظیفه مسلمانانی را که «در وی ضرورت» در کشورهای غیر اسلامی زندگی می‌کنند، بخوبی روشن می‌کند.

۳- چنانکه می‌دانیم: روزه یکی از وظائف مهم اسلامی است ولی چنانچه روزه برای روزه دار ضرر داشته باشد، در آن صورت، اسلام نه تنها از او روزه نمی‌خواهد بلکه آرا حرام می‌داند.

اختیارات حاکم

یکی دیگر از رزمهای جاودانگی اسلام، اختیاراتی است که به حکومت اسلامی داده تا با توجه

۱- حج آیه ۷۸

به اصول و مبانی اساسی اسلام، مقرراتی که در اثر نیازمندیهای نو، ضرورت آنها احساس می‌شود، مقرردارد.

این اختیارات، در درجه اول مربوط به شخص پیامبر اکرم است و بعد از او به امام و سپس به هر حکومت شرعی دیگر منتقل می‌شود. (۲) صرف نظر از اینکه این یک امر طبیعی و فطری است، آیات زیادی نیز در قرآن

کریم به این حقیقت ناطق است از قبیل: «أَلَمْ یَیْ أُولَی بِالْمُؤْمِنِینَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ - ینعبر از خود مؤمنان بر آنها حق تسلط بیشتر دارد (احزاب آیه ۶) إِنَّمَا وَلِیَّتْكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالدِّینَ آمَنُوا الَّذِينَ یَقِیْمُونَ الصَّلَاةَ وَ یُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاِعُونَ - سرپرست شما خدا است و پیامبرش و افراد با ایمانی که نماز می‌خوانند و در حال زکوع زکات می‌دهند (مائده آیه ۵۵)

أَطِیْعُوا اللَّهَ وَ اطِیْعُوا الرَّسُولَ وَأُولَی الْأَمْرِ مِنْكُمْ - از خدا و پیامبر و صاحبان فرمان (امامان به حق) اطاعت کنید (نساء آیه ۵۹)

استاد علامه طباطبائی تحت عنوان مقررات قابل تغییر در اسلام در این باره چنین می‌نویسد: و همانطور که انسان بکرشته احکام و مقررات ثابت و پاراجا که به اقتضای نیازمندیهای ثابت طبیعت و بکنواخت اروضع شود، لازم دارد، همچنین به بکرشته مقررات قابل تغییر و تبدیل نیازمند است، و هرگز اجتماع از اجتماعات انسانی بدون اینگونه مقررات، حالت

قبه در صفحه ۴۰

۲- حدیثی است که در کتاب درجهت در حدیث چاپ دوم ص ۷۱-۹۰ مراجعه شود.

رمدارس، و تشویق طلاب علوم دینی و جاسادانش -
 پژوهان اذ اطراف ارفکاف، استفاد کرده و در شیراز
 در محلی بنام «ربیع رشیده» نایبات بسیار مهم
 علمی پانمود. در کویچه علمای چهل خانه و در کویچه
 محصلین، هزارتن شاگرد گرد آورده بود. ۲۰۰ نفر
 قاری قرآن با حقوق مکنی مکلف بودند هر یک تا
 ۲۰ دستیاد تربیت کنند. برای محصلین ۶۰ هزار
 کتاب نفیس و هزار جلد قرآن که بخط خوش نویسان
 نوشته شده بود گرد آورده بود و ۱۵۰۰ گلرگانه و
 ۳۰۰ هزار خانه زیبا، باغات، گرمابهها، آسیاها
 و کارخانههای کاغذسازی و ضرابخانه، تاسیس کرده
 بود. پنجاه تن پزشک از چین و هند و سوریه فراخوانده
 و در بیمارستان، جراح و چشم پزشک استخدام کرده
 بود، و زیر نظر هر یک از آنان پنج تن محصل قرار
 آموزی می کردند و برای آنان در «رشید آباء»
 تبریز، خانه تهیه شده بود. برای بیمارستان، هزار
 شربت خوری چینی درخواست کرده بود که نام هر
 شربت روی شیشه نوشته شده بود.

به لقب «رشید طیب» بیشتر افتخار کرد تا به لقب
 «وزیر قازان خان» و دوست میداشت مردم به او
 طیب گویند، نویسنده وی «محمد ابوفونی»
 مجموعه خطی را که از خواجه گرد آورده بود، بد
 «دکتر سراهانوم شیدار» در سفارت انگلیس تسلیم
 کرد و او این مجموعه را در اختیار مستشرق معروف
 انگلیسی «ادوارد برون» قرارداد و «ادوارد برون»
 نویسنده خواجه در نامه شماره ۱۸ خود برای بیمارستان
 در ربیع رشیده از چین و هند درخواست روغن های
 مختلف، پارچه، مسک، روغن کرچک و در نامه ۲۶
 خود درخواست ۱۰۰ من تخم بادیان، سماورخ
 اسطوخودوس و در نامه ۳۱ خود درخواست کتابهای
 نفیس و تعدادی قرآن مجید که بخط خوش نویسان
 نوشته شده بود، و شربت خوری چینی کرده بود. خواجه
 در نامه ۵۰ شویده پسرش «اسمی الدین» از مشخصات
 ربیع رشیدی (از کارگاهها، باغات، گرمابهها،
 آسیاها، کارخانهها) پرده برداشته و آنها را نام برده
 است. حال بنیم و دانشگاه آذربایجان چه تعلق
 از سلف خود خواهد بود!!

«خواجه رشید الدین فضل الله» در تابستان سال
 ۷۱۸ هجری بدست مغولها، بقتل رسید، خواجه

بقیه اذ صفحه ۵۹

ثبات و بقاء بخود نخواهد گرفت. زیرا روشن است که زندگی همان انسان طبیعی
 که نظریه ساختمان ویژه خود ثابت و بکتوانخت
 است. نظریه متفقیات مکانی و زمانی پیوسته با حالت
 تحول و تکامل مواجه و با عوامل انگلایی و شرایط
 رنگارنگ زمان و مکان کاملاً دست بگریبان است. -
 تدریجاً شکل خود را عوض نموده و بر محیط تازه
 منطبق می سازد.
 این تغییر اوضاع، حتماً تغییر مقررات را ایجاب

می کند.
 در موارد همین قسم احکام و مقررات در اسلام
 اصلی داریم که ما در این بحث از آن به نام «احتیاجات
 و الهی» تعبیر می کنیم و این اصل است که در اسلام به
 احتیاجات قابل تغییر و تبدیل مردم در هر عصر و زمان
 و در هر منطقه پاسخ می دهد و بدون اینکه مقررات
 ثابت اسلام، دستخوش نسخ و ابطال شود، نیازمند بهای
 جامعه انسانی را نیز رفع می نماید (۱)
 (بقیه را در شماره آینده مطالعه فرمائید)